ویژگیهای منابع مالی دولت اسلامی
واثر آن بر سرمایه گذاری اقتصادی

مجید رضایی دوانی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۱۲

چکیده

تشخیص تفاوت آثارمالیات های اسلامی بر سرمایه گذاری و مالیات های مرسوم منوط به شناخت ویژگی‌ها و تفاوت های آن دو است. مقاله با بیان انواع منابع مالی دولت اسلامی و خصوصیات هر یک،اولاً نشان می دهد که نرخ پایین ،ثبات و عبادی بودن از بروز عدم کارایی جلوگیری می کند . ثانیاً، اثر خمس و زکات بر سرمایه گذاری تفاوت دارد. ثالثاً، برخی از مالیات ها مثل مالیات بر مصرف یا دستمزد درمیان مالیات های شرعی وجود ندارد.رابعاً، ممکن است اثر مالیات حکومتی در محیط اسلامی مشابه اثر آن با مالیات های مرسوم از بعد نظری باشد. در پایان، اثر مالیات های شرعی بر سرمایه گذاری بررسی و نشان داده شده که به صور مختلف از سرمایه گذاری حمایت کرده است .

واژگان کلیدی :

منابع مالی دولت اسلامی، مالیات های اسلامی و ویژگی ها، اثر مالیات های اسلامی بر سرمایه گذاری

* عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید قم

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

مقدمه

دولت اسلامی منابع مالی متعددی در اختیار دارد، برخی مشابه مالیاتهای مرسوم و برخی درآمد ناشی از دارایی هاست .زکات ،خمس ،عشور و جزیه مشابه مالیات و انفال شامل انواع دارایی و خراج درآمد ناشی از دارایی است . برای بررسی اثر آن بر *سرمایه گذاری* ابتدا خصوصیات منابع مالی را متذکر می شویم و تفاوت های اساسی آن با مالیات های حکومتی را بیان می کنیم و سپس، اثر مستقیم منابع مالی دولت اسلامی بر متغیر های اقتصادی و اثر غیر مستقیم آن بر *سرمایه گذاری* را توضیح خواهیم داد.لازم به ذکر است خصوصیات منابع مالی از لابلای آثار محققان اسلامی بدست آمده و به اختصار به آن می پردازیم .فرض می کنیم که مخاطب مقاله آشنایی نسبی با منابع مالی دارد و به این جهت، از تعاریف اولیه و موارد تعلق زکات و خمس و مانند آن صرف نظر می کنیم .

اول- ویژگی های منابع مالی دولت اسلامی

الف- زکات

۱ـ زکات تمام خصوصیات مالیات را ندارد. با توجه به عبادی بودن آن و داشتن نرخ ثابت که معمولاً مالیاتها چنین نیستند، نمی‌توان گفت زکات دقیقاً مالیات است ولی مشابهت‌هایی با مالیات دارد. اجباری بودن، یک طرفه بودن، داشتن مصارف معین، سالیانه بودن و داشتن معافیت خاص از آن جمله است. اجازه مصرف زکات در موارد آن از طرف حاکم و یا پرداخت داوطلبانه و اعتماد به تشخیص مودّی نمی‌تواند مانع انطباق مالیات بر زکات باشد.[۱]

۲ـ نرخ زکات بطور میانگین از ۱٪ تا ۱۰٪ است. گوسفند ۱٪،گاو و شتر۲٪، طلا و نقره ۲/۵٪، محصولات دیم ۵٪، محصولات آبی ۱۰٪ است. نرخ‌های مذکور باتوجه به حد نصاب از کمترین نرخهای مالیاتی است و در مقایسه با نرخهای مالیات بردرآمد یا ثروت پایین‌تر است.[۲]

۳ـ نرخهای زکات تناسبی است و توصیه‌های جدید سازمانهای بین‌المللی در رویکرد به مالیاتهای تناسبی مؤید صحت کارآیی این نرخها است. نرخهای تصاعدی با کارآیی کاملا در تضاد و نرخهای تنازلی

۱–نظام مالیاتی اسلام، ص۵۵ـ۵۹.

۲–ص ۵۹–۶۵ ۲– رک به: نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی،

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

با عدالت ناسازگار است.[۳]

۴ـ زکات به ثروت (انعام ثلاثه و نقدین) و درآمد (غلات اربعه) تعلق می‌گیرد. پایه مالیاتی آن متعدد است. تعدد پایه‌های مالیاتی از محسنات نظام مالی است.

۵ـ زکات نصاب معین داشته و از معافیت مالیاتی برخوردار است. این امر به عدالت اقتصادی کمک می‌کند.

۶ـ عبادی بودن زکات پرداخت آن را برای مؤمنان راحت تر و سهل تر می‌سازد و افراد زکات را هزینه تلقی نمی‌کنند.

۷ـ مصارف معین زکات باعث می‌شود اموال به موارد خاص تعلق گیرد. تأمین زندگی فقراء و مساکنین اولویت دارد و مصارف زکات شامل امور متعدد است که می‌تواند امور ضروری جامعه را پوشش دهد.گر چه مصارف زکات از نظر عنوان معین است ولی برخی از عناوین مثل فی سبیل الله مصادیق متعددی دارد و حاکم در تشخیص موارد با توجه به شرایط زمانی و مکانی مختار است .

۸ ـ زکات گرچه واجب است ولی حاکم می‌تواند براساس اعتماد به مؤدیان پرداخت آن را به مردم واگذار کند.

۹ـ در اخذ زکات ضمن اعتماد به مردم منافع آنها نیز در نظر گرفته می‌شود و از روش خود ارزیابی بهره گرفته می شود. همانگونه که می‌توان از روش تخمینی یا روش اداری مستقیم استفاده کرد.[۱]

۱۰ـ در شرایطی که وضعیت مؤدیان زکات مناسب نباشد حاکم می‌تواند اخذ زکات را به تأخیر بیاندازد. از این رو، زکات نیز می‌تواند ابزار سیاست مالی واقع شود. همچنین در مصارف زکات دولت می‌تواند بر حسب مصالح برخی از مصارف را حذف کند و این نیز نوعی سیاست مالی است.[۲]

۱۱ـ در زکات هزینه تولید معاف است و از این رو، تولیدکننده وضعیت بهتری خواهد داشت. نرخ زکات در غلات دیم و آبی براساس کار و به مقدار کار از زمین است.

۱۲ـ زکات نقدین مانع راکد ماندن اموال و دارایی است و به گردش مالی و کار تولیدی و تأمین وجوه برای سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

۳- همان ،ص۸۸ـ۹۴.

۱ - همان، ص۷۲و۷۳.

۲ - مالیه عمومی و خصوصی و سیاست مالی در اسلام ص۴۲۵.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

۱۳ـ پرداخت زکات منوط به وجود حاکم عادل نیست. در شرایط نبود حاکم عادل نیز مصارف زکات باید تأمین شوند.

۱۴ـ گرچه زکات واجب متعلق به ۹ مورد است ولی در شرایط ضروری حاکم می‌تواند برخی از موارد مستحب را الزامی کند و باتوجه به خمس، منابع مالی دولت براساس فقه شیعه کمتر از منابع مالی دولت براساس فقه اهل‌سنت نمی‌شود.[۱]

۱۵ـ امروزه از ۹ مورد زکات فقط غلات اربعه حجم قابل توجهی از زکات را ایجاد می‌کند چون معامله با طلا و نقره مسکوک صورت نمی‌گیرد. انعام ثلاثه نیز معمولاً در بخشی از سال معلوفه هستند. مقدار غلات اربعه نیز گرچه کم نیست ولی بخش کشاورزی معمولاً به صورتهای مختلف تحت حمایت دولت ها قرار می‌گیرد و یارانه‌های مختلف به آنها تخصیص می‌یابد. کمبود زکات را با مالیاتهای حکومتی می‌توان جبران کرد.[۲]

ب- خمس

۱ـ پایه خمس متنوع است. درآمد، ثروت، پس‌انداز، انتقال دارایی همگی مشمول خمس هستند.

۲ـ نرخ خمس گرچه ۲۰٪ است ولی در ربح کسب پس از معافیت هزینه سالیانه، اگر مالیات خمس را به نسبت درآمد سالیانه حساب کنیم از ۲۰٪ بسیار کمتر است زیرا اگر مقدار پس‌انداز را بطور متوسط ۳۰٪ بدانیم خمس ۳۰٪ پس‌انداز نسبت به درآمد کل ۶٪ است. نرخ ۲۰٪ نیز در قیاس با نرخهای مالیاتی مقدار زیادی نیست. علاوه بر اینکه خمس معدن و غوص در واقع اجاره استفاده از معدن و دریا است و ۲۰٪ غنائم جنگی یا کنز نسبت به آنچه بدست آمده، مبلغ زیادی نیست.

۳ـ خمس پشتوانه عظیمی برای تدارک هزینه‌های عمومی است زیرا مقدار آن زیاد بوده و امکان دارد که کاملاً در اختیار حاکم قرار گیرد.

۴ـ خمس دارای نرخ ثابت تناسبی است. از این رو، به کارایی ضرر وارد نمی‌کند و از نظر اجرایی سهولت بیشتری دارد.

۵ـ خمس برافراد واجب است. بنابراین، به درآمد اشخاص حقوقی تعلق نمی‌گیرد. این امر ممکن

[۱]- مالیات های حکومتی ،مشروعیت یا عدم مشروعیت

[۲]- همان

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

است باعث فرار از خمس شود. افراد با تأسیس شرکتهای حقوقی و انتقال سرمایه بـه آن از دادن خمـس فرار کنند.

۶ـ خمس به سرمایه تعلق می‌گیـرد ولـی فقـط یکبـار. از ایـن رو، نمـی‌تـوان گفـت باعـث کـاهش سرمایه‌گذاری می‌شود زیرا پس از تبدیل به سـرمایه و گذشـت سـال تعلـق مـی‌گیـرد. همچنـین هزینـه استهلاک نیز طبق نظر برخی فقهاء محاسبه می‌شود.[۱] اگر شخص برای عدم پرداخت خمس اموال را بـه سرمایه تبدیل نکند، باید آن را به مصرف برساند. مصرف بیش از مقدار شأن خمس دارد و همچنـین اگـر تبدیل به مصرف شود، سرمایه او افزوده نمی‌شود ولی اگر بـه سـرمایه تبـدیل شـود گرچـه ۲۰٪ خمـس می‌پردازد ولی با زایندگی سرمایه قابل جبران است.

۷- مساله مهم خمس بر افزایش قیمت سرمایه مخمس است. اکثر فقها حکم به وجـوب خمـس آن داده اند ولی برخی افزایش اسمی ناشی از تورم را در صورتی که عرفاً سود تلقی نـشود، مـشمول خمـس نمی دانند.[۱]

۸- خمس نیز به علت عبادی بودن و نرخ ثابت دقیقا مالیات نیست ولی مشابهت هایی با آن دارد.

ج-خراج

۱. خراج گرچه در لغت و معنای اصلی آن، درآمد، سود، پاداش، عطیه و محصول زمین است، به تدریج در عرف به معنای مالیات به معنای کلّی آن و در عرف خاص به معنای مالیات اراضی به کار رفته است.[۲] در قرآن و احادیث نبوی در همان معنای لغوی به کار رفته ولی به تدریج بـا فـتح عـراق و اخـتلاف دربـارۀ مالکیت اراضی فتح شده و تصمیم بر انتقال ملکیت اراضی سواد عـراق بـه مـسلمانان و واگـذاری آن بـه اهالی پیشین آن در ازای پرداخت بخشی از محصول یا مبلغی بر حسب مساحت زمین، به مبلغ پرداختـی، خراج اطلاق شد و دلیل آن هم اطلاق آن به مالیات بر اراضـی در زمـان ساسـانیان و همچنـین تناسـب معنای لغوی آن (محصول زمین) با بخشی از محصول زمین بود کـه بـه صـورت مالیـات داده مـی‌شـد؛[۳] بنابراین، خراج حقیقت شرعی ندارد بلکه کلمه‌ای است که در صدر اسلام به تدریج به مالیات بـر اراضـی

[۱]- باب خمس رساله توضیح المسائل آیت الله منتظری و آیت الله موسوی اردبیلی

[۱] - همان

[۲] - زمین در فقه اسلامی، ج ۲، ص ۱۴ و ۱۵.

[۳] - همان ، و نظام مالی دولتهای مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری ، ص ۱۶۵ ـ ۱۶۸.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

اختصاص یافت.

۲. شاید علت اختصاص خراج به مالیات بر زمین، رونق کشاورزی و برخورداری دولت از مالکیت بر زمین‌های گسترده بود. اگر دولت اموال دیگری در اختیار داشت و می‌توانست آن را واگذارد، در ازای واگذاری آن نیز می‌توانست مبلغی به صورت خراج بگیرد.

۳. از خراج می‌توان در واگذاری و اجارهٔ دیگر اموال دولتی نیز استفاده کرد. گرچه از مجموع کتاب‌های فقهی استفاده می‌شود که خراج به مالیات بر اراضی اختصاص دارد و شامل اجارهٔ دیگر اموال دولتی نیست، انحصار این معنا هم استفاده نمی‌شود. افزون بر آن ملاک واگذاری‌اراضی دولتی به بخش خصوصی در ازای خراج در واگذاری دیگر اموال دولتی هم وجود دارد و می‌توان خراج را اعم از هر نوع واگذاری اموال دولتی دانست. همچنین می‌توان مبلغ مأخوذ در ازای واگذاری دارایی غیر زمین را شبه خراج نامید یا آن که از خراج به صورت الگویی برای درآمد دولتی حاصل از واگذاری دارایی دولتی استفاده کرد، همان‌طور که می‌توان از کیفیت وضع خمس و مالیات، اصولی را استفاده کرد و از آن برای کیفیت وضع مالیات‌های دولتی بهره برد.[۱]

۴. خراج، جزو بیت‌المال است و به تشخیص حاکم اسلامی برای مصارف عمومی صرف می‌شود زیرا زمین‌های عمومی یا در ملکیت مسلمانان است و باید درآمد ناشی از آن تحت نظارت حاکم اسلامی برای عموم مسلمانان صرف شود یا در ملکیت امام قرار دارد و درآمد ناشی از آن نیز به ملکیت امام می‌آید و امام نیز اموال مذکور را برای مصارف عمومی و مصالح ملت و دین هزینه می‌کند.

۵. درآمد ناشی از خراج در دورهٔ اسلامی بسیار زیاد بوده و بخش مهم بودجه دولت از آن تأمین می‌شده است. رواج کشاورزی و درآمدزایی آن در مقایسه با دیگر بخش‌ها باعث اتکای دولت‌ها به مالیات درآمد کشاورزی شد. امروزه بر عکس، بخش کشاورزی نیازمند کمک دولت‌ها است. دولت‌ها برای حفظ کشاورزی انواع حمایت‌ها و تشویق‌ها از جمله معافیت مالیاتی را در این بخش اعمال می‌کنند؛ بنابراین، خراج به همان شیوهٔ پیشین نمی‌تواند تأمین‌کنندهٔ بودجهٔ دولتی باشد

۶. واگذاری زمین‌های عمومی به افراد و گرفتن بخشی از درآمد آن به صورت خراج، افزون بر زمینهٔ اشتغال‌زایی، تصدی دولت را کاهش می‌دهد. دولت به جای استفادهٔ مستقیم از زمین و کشت آن به وسیلهٔ

[۱] – بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران براساس الگوی مالیات‌های اسلامی.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

عوامل خود و تمرکز در تولید از توان بخش خصوصی در ادارهٔ زمین‌ها استفاده، و ضمن کاهش هزینه‌های دولت، درآمد مناسبی را کسب و در امور مورد نیاز جامعه صرف می‌کند.

۷. در تعیین خراج و کیفیت اخذ آن، به وضعیت کشاورز و تولید کننده توجه می‌شود. امیرمؤمنان به مالک دستور می‌دهد که مبادا توجه اصلی خود را به جمع‌آوری خراج معطوف سازد؛ بلکه بیش از توجه به جمع‌آوری خراج، باید به گونه‌ای تصمیم بگیرد که هدف اصلی سیاست‌گذاری دولت در امر خراج، آبادی زمین و بهبود وضع خراج‌دهنده باشد. در حالتی که وضعیت تولید وخیم است و کم‌آبی، آفت، کمی باران، فساد بذر و سختی بر مردم روی‌آورده، باید از مقدار خراج کاسته شود تا تغییر وضعیت آنان با سرعت بیشتری رخ دهد و از هزینه و رنج مردم کاسته شود و دورهٔ رونق تجدید شود و زمینهٔ بهبود پرداخت خراج فراهم آید.[۲] بنابراین، نحوهٔ گرفتن خراج نباید مانع رشد اقتصادی و انگیزهٔ تولید و سرمایه‌گذاری شود و در وضعیت رکود اقتصادی باید تخفیف‌های مناسب در نظر گرفت تا مردم در سال‌های بعد رغبت بیشتر و توان بالاتری برای ادای خراج کسب کنند.[۳] مقدار خراج باید با رعایت توانایی افراد باشد و از سختگیری و ستم پرهیز شود و نباید مردم در ادای خراج و مقرری دولت به فروش اموال و دارایی‌های مورد نیاز خود وادار شوند.[۱] دولت در وضعیتی هم می‌تواند از گرفتن خراج خودداری کند و با معافیت خراج مشکل تولید کنندگان را برطرف سازد.

۸. امکان تغییر نرخ خراج در حالت‌های گوناگون، ابزار مناسب سیاست‌مالی را در اختیار دولت اسلامی قرار می‌دهد. گفته شد که نرخ خراج در زمان‌های گوناگون ثبات نداشت و تغییرهای مهمی را به خود دید. بر خلاف نرخ خمس و زکات که ثابت است و امکان اجرای سیاست مالی با آن نیست، امکان تغییر نرخ خراج، کمبود ابزار سیاست مالی را برطرف می‌سازد و دولت بر حسب وضعیت می‌تواند سیاستگذاری مالی را اعمال کند.

۹. افزون بر زمین‌های آباد مفتوحهٔ العنوه و زمین‌های صلحی و فیء که دولت در ازای واگذاری از آن خراج می‌ستاند، اموال عمومی متعددی در اختیار دولت اسلامی است. انفال، شامل زمین‌های موات، زمین‌های رها شده، معادن، آب‌ها، سواحل دریا، رودها، نیزارها، کوه‌ها و دره‌ها در اختیار و ملکیت دولت

---

۲ – نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۶.
۳ – دولت و سیاستهای اقتصادی، ص۳۷۰.
۱ – بیت‌المال، ص ۴۰۸.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

اسلامی است و دولت می‌تواند بر حسب موقعیت‌های خاص در اختیار بخش خصوصی قرار داده بخشی از درآمد آن را همانند خراج اخذ کند. البته در کلمات فقیهان دربارهٔ اجرت زمین در ازای اقطاع اراضی موات تصریحی وجود ندارد و گفته شده اراضی موات پس از احیا به ملکیت احیا کننده در می‌آید؛ ولی دلیل محکمی بر عدم امکان اخذ خراج از اقطاعات پس از احیای آن موجود نیست زیرا زمین‌های موات و کیفیت واگذاری و اذن در تصرف در اختیار دولت اسلامی است. بنابراین، دولت می‌تواند با در اختیار نهادن زمین موات و غیر آن، زمینهٔ آبادی آن را فراهم سازد و با حفظ اولویت احیا کننده، بخشی از درآمد آن را به صورت اجارهٔ زمین اخذ کند.[۲] اشکال اساسی قابل طرح این است که با احیای اراضی موات و معادن به ویژه معادن باطنی بر اساس «من احیی ارضا میتهٔ فهی له»، محیی، مالک زمین می‌شود. بنابراین، با مالک شدن او معنایی برای اجرت زمین وجود ندارد. در پاسخ می‌توان گفت: احیا فقط حق اولویت را دربارهٔ زمین ایجاد می‌کند و داشتن حق اولویت، با پرداخت اجرت زمین منافات ندارد،[۳] و با توجه به این‌که استفاده از تمام زمین‌های موات، معادن و ... دست کم در زمان بسط حکومت دینی مشروط به اذن حاکم و دولت اسلامی است، دولت می‌تواند در متن قرارداد شامل اجازهٔ استفاده و احیا به بخش خصوصی، عدم ملکیت منابع را تصریح کند تا بتواند از منابع مذکور خراج بگیرد.

۱۰. در طول تاریخ، زمین‌های خراجیه، درآمدزایی بسیار برای دولت‌ها داشت امّا به تدریج موقعیت آن زمین‌ها از بین رفت. با جا به جایی افراد، ایجاد شهرهای جدید، تغییر کاربری بسیاری از زمین‌ها، وقوع حوادث ناگوار مثل سیل، زلزله ...، شواهد و قراین مبنی بر تعیین زمین‌های خراجیه از بین رفت. تعیین زمین خراجیه نیازمند علم، اطمینان و شهرت مفید اطمینان شهادت است. متأسفانه امروزه فقط می‌توان به نقل‌های تاریخی بسنده کرد و با توجه به اختلاف نقل کننده‌ها نمی‌توان از آن طرفی بست. حتی در مورد زمین‌های عراق که مشهور است از اراضی مفتوحهالعنوه به شمار می‌آید، با بررسی شواهد تاریخی معلوم می‌شود اراضی آباد فتح شده که به ملکیت مسلمانان درآمده، از مساحت عراق فعلی کم‌تر است[۱] و از آن‌جا که طبق ادلّهٔ فقهی، زمین موات فتح شده به ملکیت امام در می‌آید و به صورت انفال باقی خواهد ماند و در صورت احیای مردم مسلمان به ملکیت آنان درآمده است، نمی‌توان از این اراضی خراج گرفت و

---

۲ – دراسات فی ولایهٔ الفقیه و فقه الدولهٔ الاسلامیهٔ، ج ۳، ص ۳۶۳ و ۴۸۸ و ۴۹۴؛ اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، ص ۶۹.

۳ – اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، ص ۶۱ ـ ؛ زمین و متعلقات آن، ص ۷۰ و ۱۰۵.

۱ – کتاب البیع، ج ۳، ص ۷۵.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

با توجه به این‌که زمین‌ها در اختیار مسلمانان است و احتمال صحت ملکیت آنان وجود دارد می‌توان آثـار ملکیت آنان را مترتب کرد.[۲] در دیگر اراضی هم نشانهٔ خراجی بودن نمانده است؛ بنابراین، نمی‌تـوان بـه خراج زمین‌های مفتوحهٔ العنوه یا صلحی در گذشته دل بست؛ بلکه دولت می‌توانـد زمـین‌هـای مـوات یـا معادن و غیر آن را در ازای اخذ مبلغی با عنوان خراج واگذارد. در واقع، امروزه مصادیق موضـوع خـراج در صدر اسلام برای ما مجهول است و لازم است برای احیای خراج به واگذاری دیگر دارایی‌ها تکیه کرد.

[۲] – همان: ص۷۷.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

د- جزیه:

۱-جزیه مالیات ویژه ای است که از اهل کتاب ساکن در سرزمینهای اسلامی (یهود، نصاری، مجوس) دریافت می شود. دولت اسلامی در برابر حفظ جان و مال این افراد، آنان را متعهد به پرداخت این مالیات می کند. هر مسلمان که در کشور اسلامی است زکات، خمس، خراج یا مالیات دیگری می پردازد ولی اهل کتاب که شامل پیروان ادیان مسیحی، یهودی، زردشتی هستند با قبول برخورداری از حکومت اسلامی و زندگی تحت حمایت آن می بایست مالیاتی به دولت بپردازند تا دولت از مال و جان آنها حمایت کند و امنیت آنها را تأمین سازد. آنها در عوض زکات و خراج، جزیه پرداخت می کنند.[۱]

۲-جزیه می تواند به صورت مالیات سرانه قرار داده شود و از هر نفر مرد بالغ از اهل ذمه سالانه مبلغی دریافت شود و نیز می تواند به صورت مالیات بر اراضی آنها قرار گیرد، به این صورت که زمینهای صلح در ملکیت آنها باقی بماند و سهمی از محصول را به عنوان جزیه پرداخت کنند.[۲] زنان، بچه ها، دیوانگان، فقراء از جزیه معافند.[۳]

۳-مقدار جزیه بستگی به صلاحدید حاکم اسلامی و رعایت حال مؤدیان دارد. ممکن است بر حسب درآمد افراد آنها را طبقه بندی کند و از هر گروه مقداری جزیه بگیرد.[۴] ممکن است در ضمن شرایط جزیه کمک به رزمندگان اسلام و پشتیبانی مالی از آنان قرار گیرد. کم و کیف این شرائط در هر زمانی متفاوت است. حاکم اسلامی باید با لحاظ تمام شرایط اجتماعی و سیاسی این قراردادها را تنظیم کند. در شرایط حاضر که قوانین مالیاتی کشور برای همه ادیان یکسان است، طرح جزیه به عنوان مالیات جداگانه چه بسا مسائل ناگواری را بدنبال داشته باشد.

۴-اهل کتاب با پرداخت جزیه از پرداخت دیگر مالیاتها و از شرکت در جنگ با بیگانه معاف هستند و وظیفه دولت تأمین مالی و جانی آنهاست.

۵-از آنجا که جزیه و مقدار آن دائر مدار تشخیص دولت اسلامی و رعایت مصلحت است، حاکم می‌تواند در دوران جدید به جای جزیه همان مالیاتهای حکومتی مرسوم را اخذ کند. در قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران از جزیه نامی برده نشده و روابط قدیم میان اهل ذمه و دولت مدنظر قرار نگرفته است. این

---

۱ - دراسات فی ولایهٔ الفقیه و فقه الدولهٔ الاسلامیهٔ، ج۳، ص۳۷۳.
۲ - همان، ص ۳۶۳، ۴۳۷-۴۳۳.
۳ - همان، ص ۴۱۹ و ۴۲۴.
٤ - وسائل الشیعهٔ، ج۱۱، ص۱۱۵ و ۱۱۶.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

امر مختص جزیه نیست. احکام متعدد قضایی و جزایی نیز وجود دارد که دولتها در مورد پرداخت دیه، ارث و غیر آن می‌تواند باتوجه به شرایط اجتماعی و قوانین مورد پذیرش دولتها در سطح بین‌الملل و رعایت مصالح عالیه دینی تصمیم‌گیری کند. در هر صورت، مقدار جزیه چندان قابل اعتنا نیست و در مجموع بیت‌المال بود یا نبود آن خلل مهمی ایجاد نمی‌کند.

هـ انفال

بخش مهمی از منابع مالی طبیعی و غیر آن به عنوان انفال در ملکیت دولت اسلامی است.

۱-انفال عبارتند از:

۱ـ زمینهایی که بدون جنگ و خونریزی به تملک مسلمانان درآید ـ چه اهل آن کوچ کنند و زمین را رها کنند و چه آن را به مسلمانان تسلیم کنند.

۲ـ زمینهای موات

۳ـ زمین بی‌صاحب چه قبلاً آباد بوده و مالک داشته و آن را رها کرده است یا صاحبان آن به بلای طبیعی هلاک شده اند و چه آباد بوده و مالک نداشته باشد مثل جنگها.

۴ـ قلل کوهها، دره‌ها، نیزارها

۵ـ سواحل دریا

۶ـ قطایع و صفایا و خالصجات پادشاهی و اشیاء قیمتی که در کاخ‌های سلطنتی است. این امور جزو انفال است.

۷ـ اموال نفیس که در میان غنائم جنگی است که به آن صفوالمال گویند. شمشیر زیبا، زره نفیس، مرکب زیبا، از جمله آن است. احادیث متعدد بر آن دلالت دارد.[۱]

۸ ـ کلیه غنائمی که در جنگ بدون اذن امام به دست مسلمانان برسد

۹ـ معادن: در قانون اساسی ایران در اصل ۴۵ نیز معادن جزو انفال و در ملکیت دولت اسلامی است.[۲] ارزش معادن بسیار زیاد است. اگر در ملکیت دولت باشد از ایجاد انحصار و مالکیت گسترده برای افراد خاص که توانایی بهره‌برداری از معادن را دارند جلوگیری می‌کند.

۱۰ـ میراث کسانی که وارث ندارند. امام و حاکم اسلامی وارث کسی است که وارث ندارد. و اموال و

۱ – همان، ج۶، ص۳۵۶و ۳۷۳و ۳۶۵و ۳۶۹و ۳۷۱.
۲ – همان و کتاب البیع، ج۳، ص۲۵ و همان، استفتائات، ج۲، ص۵۸۸ و ۵۸۹.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

دارایی به جا مانده از چنین کسی به دولت می‌رسد.

۱۱ـ دریاها و رودخانه‌های بزرگ همچنین فضا و جوّ، گرچه مالکیت این امور در زمانهای قدیم مطرح نبوده ولی امروزه این امور از مهمترین اموال است.

۲– انفال که شامل عمده ثروتهای طبیعی است، برطبق نظر فقه شیعه جزو املاک دولت اسلامی است و تصرف در آن منوط به اذن حاکم شرعی است. حاکم شرعی باید براساس مصلحت جامعه تصمیم‌گیری کند و از این اموال بهره‌برداری بهینه نماید

۳–. مالکیت دولتی انفال باعث بزرگی دولت اسلامی نمی‌شود. وظایف دولت در بعد حاکمیتی و سیاستی امری لازم است ولی لازم نیست دولت به علت مالکیت بر منابع، تولید کالاهایی را که از مواد طبیعی استفاده می‌کند خود به عهده گیرد. تصدی‌گری لازمه مالکیت نیست.

و– عشور

عشور در فقه اسلامی به اموالی اطلاق می‌شود که از غیرمسلمانان برای ورود کالاهای تجاری به کشور گرفته می‌شود هرچند مقدار آن کمتر از $\frac{۱}{۱۰}$ ارزش آن باشد . باتوجه به مصلحت جامعه و حمایت از بازار داخلی و نفوذ قوانین و مقررات، حاکم می تواند در مورد ورود و خروج کالای تجاری مقررات خاص وضع کند و براساس نوع برخورد غیرمسلمانان با مسلمانان و شرایط خاص مالیات بر ورود کالا قرار دهد.

آنچه که گذشت نشان داد که دولت اسلامی اولاً، دارایی‌ها و ثروتهای متعددی را در اختیار دارد که کیفیت بهره‌برداری و استفاده از آن را تعیین می‌کند. ثانیاً، درآمدها را از طرق مختلف مثل زکات، خمس، جزیه، خراج، عشور بدست می‌آورد. خراج به مانند اجاره زمینهای دولتی است. جزیه امروزه قابل استفاده نیست. عشور همانند عوارض گمرکی و تعرفه‌های تجاری است. نرخ عشور قابل تغییر است ولی زکات و خمس معولاً نرخ ثابت دارند. این درآمدها به غیر از مالیاتهای حکومتی است . هم چنین گاه دولت مجبور به استقراض می گردد .

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

دوم- مقایسه مالیاتهای اسلامی و مالیات‌های مرسوم

مالیاتهای مرسوم معمولاً به دو نوع مالیات مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. مالیات مستقیم توسط مالیات دهنده پرداخت می‌شود ولی در مالیات غیرمستقیم پرداخت‌کننده واقعی مالیات با پرداخت کننده مبلغ مالیات به دولت متفاوت است. مثلاً مالیات بر درآمد مالیات مستقیم است چرا که از حقوق و دستمزد مؤدی مالیات پرداخت می‌شود ولی در مالیات غیرمستقیم مالیات به قیمت کالا اضافه می‌شود، خریدار کالا قیمت کالا را به فروشنده می‌پردازد، ولی بخشی از قیمت مالیاتی است که فروشنده باید به دولت بدهد.

جدول (۱) انواع مالیات‌های حکومتی

مالیات مستقیم	مالیات بر شرکتها	۱ـ اشخاص حقوقی دولتی ۲ـ اشخاص حقوقی غیردولتی	مالیات غیرمستقیم	مالیات بر واردات	۱ـ حقوق ورودی (مالیات و سود بازرگانی واردات خودرو، مالیات واردات سایر کالاها...) ۲ـ سایر
	مالیات بر درآمد	۱ـ حقوق ۲ـ مشاغل ۳ـ مستغلات ۴ـ مالیات متفرقه		مالیات بر کالا و خدمات	۱ـ فراورده‌های نفتی ۲ـ نوشابه‌های غیرالکلی ۳ـ فروش سیگار ۴ـ نقل و انتقالات اتومبیل ۵ـ درآمد حاصل از اصلاح قیمت سوخت ۶ـ عوارض بهینه‌سازی مصرف انرژی ۷ـ سایر
	مالیات بر ثروت	۱ـ مالیات بر ارث ۲ـ نقل و انتقالات و سرقفلی ۳ـ حق تمبر و چک و برات و سفته و... ۴ـ سایر			

براساس نظام مالیاتی ایران انواع مالیات چنین است:

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

انواع مالیات مستقیم عبارتند از مالیات بر شرکتها، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت و انواع مالیات غیرمستقیم عبارتند از مالیات بر واردات، مالیات بر کالاها و خدمات.

مالیات بر شرکتها عبارت است از مالیات بر شرکتهای دولتی و غیردولتی.

مالیات بر درآمد عبارت است از مالیات بر مجموع حقوق (خصوصی و عمومی)، مالیات بر درآمد مشاغل، مالیات بردرآمد مستغلات و متفرقه.

مالیات بر ثروت عبارت است از مالیات بر ثروت اتفاقی، ارث، نقل و انتقالات و سرقفلی، حق تمبر و چک و برات و سفته و سایر موارد.

مالیات بر واردات عبارت است از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و سایر.

مالیات بر کالا و خدمات عبارت است از مالیات بر فرآورده‌های نفتی، نوشابه‌های غیرالکلی، نقل و انتقالات اتومبیل، سیگار. درآمد حاصل از اصلاح قیمت حاملهای انرژی، عوارض بهینه‌سازی مصرف انرژی و سایر موارد است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

جدول(۲) مقایسه منابع مالی اسلام با انواع مالیاتها

نوع مالیات / درآمددولت اسلامی	مالیات بر شرکتها	مالیات بردرآمد	مالیات بر ثروت،ارث نقل و انتقالات و...)	مالیات بر واردات	مالیات برکالاوخدمات	مالیات سرانه	مالیات بر پس انداز یا سود سالیانه	سایر درآمدهای دولتی
زکات انعام			*					
زکات غلات								
زکات نقدین			*					
زکات فطره								
خمس غنائم جنگی								
خمس کنز								
خمس معدن								
خمس غوص								
خمس مال مخلوط به حرام								
خمس زمین فروخته شده به ذمی			*					
خمس منفعت و فوائد کسب							*	
خمس ارث غیر مترقبه			*					
جزیه								
عشور				*				
خراج								*

در درآمدهای مالیاتی اسلامی زکات بر انعام و نقدین مالیات بر ثروت است و زکات غلات مالیات بردرآمد کشاورزان است. در خمس، خمس غنائم جنگی به صورت اتفاقی است و نمی‌توان در تقسیم‌بندی معمول آن را جا داد گرچه از نوع مالیات بردرآمد است. خمس گنج نیز مشابه غنائم جنگی از نوع مالیات بردرآمد است. این دو چون از نوع حقوق و مشاغل و مستغلات نیست، جزو

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

متفرقه قرار می‌گیرد. خمس غوص (ثروتهای دریایی استخراج شده) اگر به صورت شغل افراد باشد جزو مشاغل قرار می‌گیرد و خمس آن از نوع مالیات بر درآمد است. خمس مال مخلوط به حرام از نوع مالیات بردرآمد است. خمس معدن از نوع مالیات بر درآمد مشاغل است. خمس زمین فروخته شده به ذمی از نوع خمس بر نقل و انتقال ثروت است اما خمس منفعت کسب و فوائد از آنجا که هزینه سالیانه کسر می‌شود، به پس‌انداز متعلق می‌گردد گرچه اصل آن درآمد بوده ولی با کسر هزینه سالیانه تبدیل به پس‌انداز می‌شود. این نوع مالیات در ضمن مالیاتهای دولتی نیست. اگر پس‌انداز را برابر با سرمایه‌گذاری بدانیم، در واقع خمس منفعت کسب نوعی مالیات بر مقدار سرمایه‌گذاری است. از این رو، قراردادن خمس بر ربح کسب جزو مالیات بر درآمد که نظری و گیلک حکیم‌آبادی انجام داده‌اند، به نظر صحیح نیست.[۱] اگر ارث غیرمترقبه به شخص برسد، طبق نظر تعدادی از فقهاء مشمول خمس شده و جزو مالیات بر ثروت ارث قرار می‌گیرد ولی ارث معمولاً مشمول مالیات خمس نمی‌شود.

جزیه از آنجا که معمولاً براساس نفرات است (فرد بالغ) و در ازای هر فرد مبلغ یا کالایی پرداخت می‌شود را نمی‌توان در تقسیم‌بندی مالیات مستقیم و غیرمستقیم قرارداد و نوعی مالیات سرانه است. عشور همانطور که گذشت از نوع مالیات غیرمستقیم بر واردات کالا است.

خراج اجاره زمینهای دولتی است که همانند درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت است که جزو سایر درآمدهای دولت قرار می‌گیرد.

از جدول فوق معلوم شد در مالیاتهای اسلامی از مالیات درآمد مستقیم بر شرکت یا مالیات غیرمستقیم بر کالا و خدمات اثری نیست. فقط عشور جزو مالیاتهای غیرمستقیم است و تمام موارد خمس و زکات مالیات مستقیم هستند: ۶ مورد مالیات بر درآمد و ۴ مورد مالیات بر ثروت. یکی از موارد مهم که خمس منفعت است، متفاوت از مالیات مرسوم و به عنوان مالیات بر پس‌انداز مطرح است. جزیه هم که از انواع مالیات بر سرانه است.

امروزه مالیاتهای غیرمستقیم روز به روز جایگاه بیشتری در اقتصاد پیدا کرده است به گونه‌ای که مالیات بر ارزش افزوده در صورت وجود امکانات فنی و آماری مورد استقبال قرارگرفته است با اینکه در

[۱] – رک به: نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، ص۴۸ـ ۴۹.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

مالیاتهای اسلامی مشابه‌ای ندارد. همچنین باید توجه کرد که درآمد شرکتها و نهادهای حقوقی به جهت شرایط عقل و بلوغ و تکلیف در مؤدی خمس و زکات و عبادی بودن آن متعلق خمس و زکات نیست. البته قسمتی از سود شرکتها که به صاحبان سهام می‌رسد ـ برحسب شرایط ـ متعلق خمس و زکات می‌شود مثلاً سود سهام شرکت‌های صنعتی به هر میزان باشد جزو منفعت کسب قرارگرفته و در صورت زیاد شدن از سال، متعلق خمس است. و سود شرکتهای کشاورزی که در زمینه کشت غلات اربعه یا پرورش دام فعالیت می‌کند، پس از تقسیم هر فرد در صورت رسیدن به حد نصاب و داشتن شرایط بقا یکسال انعام در ملک صاحبان سهام متعلق زکات است ولی درآمد شرکتها متعلق هیچ یک از مالیاتهای ثابت اسلامی نیست.

و این ممکن است نقص مهمی را به مالیاتهای ثابت اسلامی متوجه کند چرا که امروزه نهادهای مالی که دارای شخصیت حقوقی هستند مثل بانکها، کارخانه‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های حمل و نقل کشتیرانی، شرکتهای خدماتی، سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز و شرکتهای حفاری معادن جایگاه مهمی در اقتصاد دارند و گردش مالی آنها بسیار زیاد و درآمد فراوانی را به خود اختصاص می‌دهند ولی از کمند مالیات ثابت اسلامی خارج هستند. این امر محتاج تحقیق بیشتر و فتاوای مراجع در این خصوص است

سوم - اثر مالیات بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی

در مباحث بخش عمومی معمولا اثر مالیات بر متغیرهای مختلفی مثل عرضه نیروی کار، پس انداز، سرمایه گذاری، مصرف، بررسی می شود. هر یک از این متغیرها اثر بسیار مهمی بر جریان اقتصادی دارد و اثر منفی یا مثبت مالیات بر هر یک باعث تغییر وضعیت اقتصادی می شود.برای بررسی اثرمالیات بر سرمایه گذاری باید اثر مالیات بر عوامل موثر بر آن معلوم شود .عوامل متعددی که بر سرمایه گذاری موثر است بر حسب مکاتب اقتصادی متفاوت است . عوامل فوق به طور کلی عبارتند از :پس انداز ،سود ،نرخ بهره ،نرخ بازدهی داخلی ،امنیت اقتصادی در ابعاد مختلف و... از سوی دیگر، سرمایه گذاری ودوام آن رشد اقتصادی و زمینه ساز رفاه عمومی است. از عوامل موثر برسرمایه گذاری آنچه برآن مالیات وضع می شود پس انداز ،سود و نرخ بهره است. در نظام اسلامی نرخ سود به جای نرخ بهره است .ما ابتدا اثر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

مالیات اسلامی را بر پس انداز و سود بررسی کرده و سپس بر سرمایه گذاری می سنجیم . این نکته باید مد نظر قرار گیرد که دولت اسلامی در کنار مالیات های اسلامی می تواند در شرایط خاص از مالیاتهای مرسوم حکومتی هم بهره گیرد و نیازهای مالی خود را برطرف کند. بنابراین، اثر مالیات بر متغیرها در مباحث بخش عمومی ممکن است عیناً در ادبیات اقتصاد اسلامی هم پیاده و مورد قبول قرار گیرد. البته اگر در این امر رفتار فرد مسلمان در واکنش به مالیات به جهت برخی ارزشهای دینی متفاوت باشد، اثر مالیات حکومتی هم متفاوت می شود.

الف -اثر مالیات بر پس انداز

برای بررسی اثر مالیات بر پس انداز می توان اثر آن را بر مصرف مد نظر قرارداد چون درآمد یا مصرف می شود و یا پس انداز؛ با بررسی اثر مالیات بر مصرف اثر آن بر پس انداز معلوم می شود. پس انداز مقدار درآمدی است که از سال جاری برای آینده می ماند. با فرض اینکه ارث نباشد، تمام درآمد دوره اول ودوم با مصرف دو دوره برابر است و فردی که مطلوبیت خود را با مصرف دو دوره حداکثر کند قید آن برابری تمام درآمدها و مصارف است:

$Y=C+S$

$U=U(C_1 ، C_2)$

$C1=Y1 -S$

$C_2 =Y_2+(1+t)S$

$$C_1 +\frac{C2}{1+r} = y_1+\frac{Y2}{1+r}$$

با حداکثر سازی به رابطه نسبت نرخ نهایی جانشینی مصرف حال برای آینده برابر با $(1 + r)$ می رسیم:

$$\frac{\partial u}{\partial c2} / \frac{\partial u}{\partial c1} = \frac{1}{1+r}$$

در کتابهای بخش عمومی انواع مالیات بر درآمد ناشی از کار، مالیات سرانه، مالیات بر r و یا هر نوع درآمد و یا مالیات بر مصرف را بررسی کرده و نشان می دهند که تنها مالیاتی که می تواند نسبت فوق را

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

تغییر دهد مالیاتی است که r را متأثر کند و باعث بروز اثر جانشینی بین C1 و C2 شود. وجود اثرجانشینی باعث تغییر یافتن مقدار مصرف هر دوره پس انداز می شود و رابطه به صورت زیر در می آید:[۱]

$$\frac{1}{1+r(1-t)}$$

نظری و گلیک حکیم آبادی اثر خمس بر درآمد (کار و سرمایه) را به صورت زیر نشان داده اند:

$C1=Y1-(Y1-C1)\ t_k$ -S

t_k نرخ خمس است.

$(1-t_k)C1=Y1(1-t_k)$-S $\Rightarrow C1=Y1-\ \frac{S}{1-t_K}$

$C2=Y2+S+r\ S-(Y2+iS-C2)\,t_k$

$(1-t_k)C2=Y2(1-t_k)+S(1+r(1-t_k)$

$$C2=Y2+S\frac{(1+r(1-t_k)}{1-t_K} \quad \Rightarrow \frac{S}{1-t_K}=\frac{c2}{1+r(1-t)}-\frac{y2}{1+r(1-t)}$$

$$C1=Y1-\ \frac{c2}{1+r(1-t)}\ +\ \frac{y2}{1+r(1-t)}$$

$$C1+\frac{c2}{1+r(1-t)}=Y1+\frac{y2}{1+r(1-t)}$$

ضمنا اثر درآمدی خمس بر روی پس انداز نسبت به مالیات بر درآمد کمتر است چون کل درآمد دوره اول مشمول خمس نیست و فقط به پس انداز آن خمس تعلق می گیرد. نمودار زیر آن را نشان می دهد:

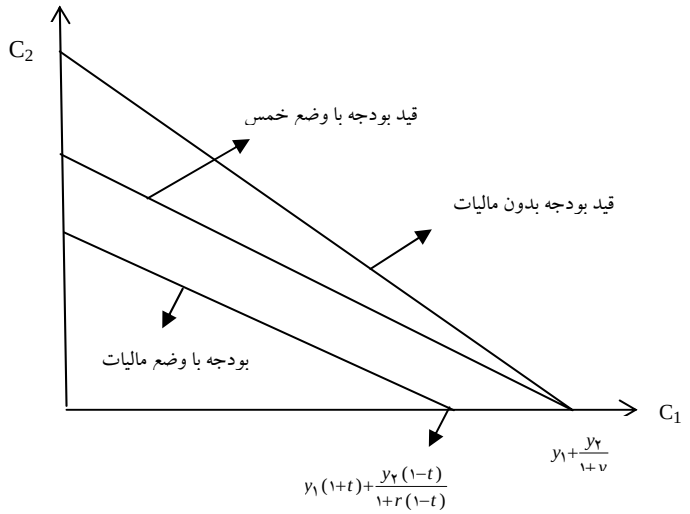
---

[۱] . رک به:

Sandmo،Agnar،the Effects of Taxation on Savings and Risk Taking –pp265-271

و پژویان، جمشید ، اقتصاد بخش عمومی ج۲، ص۲۵۳ـ۲۵۹، جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی،ص ۱۰۲.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]



بر این اساس، اگر نرخ مالیات با نرخ خمس یکسان باشد، $\frac{dc2}{dc1}$ در دو حالت برابر می شود و اثر جانشینی هر دو یکسان است. اگر نرخ مالیات بیش از خمس باشد، نرخ نهایی جانشینی در خمس بیش از نرخ نهایی جانشینی مالیات خواهد بود. در این صورت، با کاهش یک واحد از مصرف حال امکان مقدار مصرف(پس انداز) بیش تری در زمان آینده فراهم می شود. البته نسبت به وضع قبل از مالیات و خمس، مالیات به نفع مصرف حال و به ضرر پس انداز در آینده است ولی در خمس این نفع و ضرر نسبت به مالیات کمتر است.[۱]

در مورد اثر زکات بر پس انداز گفته شده که ثروت عامل موثر بر پس انداز است، با فرض اینکه شخص دارای ثروت است و بین دوره مصرف تصمیم گیری می کند؛ در دوره اول از ثروت استفاده نکند و برای دوره دوم هم فقط پس انداز و ثروت دارد.تابع مطلوبیت به صورت زیر خواهد بود:

$U=U(C_1 , C_2)$

$C1=Y1 -S$

$C_2 =S(1+r)+W(1+r)$

$C_1 + \frac{C2}{1+r} = y_1+W$

با فرض زکات بر ثروت، قید بودجه به صورت زیر در می آید:

[۱] . نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، ص۱۰۱ـ۱۰۳.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

$$C۱ + \frac{C2}{1+r} = y۱ + W(1-t)$$

اگر $\frac{dc2}{dc1}$ را در دو حالت حساب کنیم، فرقی ندارد و فقط اثر درآمدی دارد.بنابراین، خمس اثر جانشینی دارد ولی زکات ندارد.[۲]

برخی از محققان اثر مالیات اسلامی را بر انتقال درآمد و مصرف کل بررسی کرده اند که آیا انتقال زکات از اغنیاء به فقرا مصرف کل را افزایش می دهد یا خیر. برخی میل نهایی به مصرف طبقات کم درآمد را بیشتر از طبقات پر درآمد دانسته و براساس آن، اثر مثبت مالیات بر مصرف را اثبات کرده اند و برخی بالعکس.[۳] از آنجا که این بحث به اقتصاد کلان مرتبط است نه اثر مالیات بر مصرف دو دوره تا اثر آن بر پس انداز فرد مشخص شود از پی گیری آن خودداری می‌کنیم. البته اگر مالیات باعث کاهش پس انداز طبقات پر درآمد شود، با انتقال آن به طبقات کم درآمد و مصرف آن، پس انداز کل کاهش می یابد.

در مورد اثر مالیاتهای اسلامی بر پس انداز نکات زیر را مطرح می کنیم:

۱ـ اگر بخواهیم خمس را در روابط ریاضی نشان دهیم، متفاوت از آن چیزی است که نظری و گلیک حکیم آبادی مطرح کرده اند زیرا

$U=U(C۱ ، C۲)$

$S=Y1-C1$

$K=t_k \; S=t_k \; (Y1-C1)$

$C1=Y1 -S$

---

[۲] . همان، ص۱۰۳ و ۱۰۴.

[۳] . رک به: لشکری، علیرضا، نظام مالیاتی اسلام، ص۱۷۰ـ۱۷۲ متولی، مختار محمد، التوازن العام والسیاسات الاقتصادیه الکلیه فی اقتصاد اسلامی، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، ص۳۱۴ـ۲۸۰.

الزرقاء، محمد انس، دور الزکاه فی الاقتصاد عامه وفی السیاسه المالیه. اقتصادیات الزکاه ص ۴۳۰– ۴۷۰

درویش، احمد فواد، و زین، محمود صدیق، تأثیر الزکاه علی داله الاستهلاک الکلی فی اقتصاد اسلامی اقتصادیات الزکاه ،ص ۱۴۷–۱۶۰.

Iqbal،Munavar،Zakah،Moderation and Aggregate ،Consumtion Funtion in AN Islamic Economy ،Economic of Zakah ،pp 111-140.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

$$C۲ = Y۲ + (1-t_k)(1+r)S$$

$$C۲ = Y۲ + (1-t_k)(1+r)Y1 - C1(1-t_k)(1+r)$$

$$C۱ + \frac{C2}{(1+r)(1-t_K)} = y۱ + \frac{Y2}{(1+r)(1-t_K)}$$

$$L = U(C۱ ، C۲) - \lambda \left(C۱ + \frac{C2}{(1+r)(1-t_K)} - y۱ - \frac{Y2}{(1+r)(1-t_K)} \right) S.$$

$$\frac{\partial u}{\partial c1} - \lambda = 0$$

$$\Rightarrow \frac{\partial u}{\partial c1} / \frac{\partial u}{\partial c2} = (1-t_k)(1+r) \text{ یا } \frac{\partial u}{\partial c2} / \frac{\partial u}{\partial c1} = \frac{1}{(1+r)(1-t_K)}$$

$$\frac{\partial u}{\partial c2} - \frac{\lambda}{(1+r)(1-t_K)} = 0$$

این مقدار از $\frac{1}{1+r}$ بزرگتر است. پس اثر جانشینی هست.ولی نسبت به مالیات اگر $t=t_k$ باشد، اثر جانشینی یکسان است ولی اگر $t>t_k$ باشد، نرخ نهایی جانشینی در مالیات بیش از مالیات معمولی است. یعنی با کاهش یک واحد از مصرف حال تغییر مصرف آینده (پس انداز) بیشتر می شود و این بر خلاف نتیجه ای است که نظری و گیلک حکیم آبادی گرفته اند.

۲ـ همانطور که قبلا گفته شد، نرخ ثابت مالیاتهای اسلامی مانع اثر منفی آن بر کارایی است و افراد تصمیم گیری خود را تغییر نمی دهند.

۳ـ خمس بر مصرف وضع نمی شود. خمس ربح کسب بر پس انداز از هر نوع کسب است. و چون به صورت یکسان و با یک نرخ قرار می گیرد، فرد شغل خود را تغییر نمی دهد. از طرفی، وجود خمس بر پس انداز باعث افزایش مصرف نمی شود چون فرد اولا بیش از مصرف شأنی خود نباید مصرف کند. ثانیا اگر بخواهد خمس ندهد باید کل درآمد را مصرف کند و این برای معمول مردم که علاقه به پس انداز دارند صورت نمی گیرد. خمس بر معدن هم نوعی اجاره استفاده از معدن است نه خمس بر درآمد.

۴ـ زکات بر نقدین در صورتی واجب است که فرد از نقدین در طول سال استفاده نکند. فقط لازم است فرد از نقدین هر چند برای قرض دادن استفاده کند تا زکات به آن تعلق نگیرد. زکات بر دام در آخر سال به شرط استفاده از مراتع تعلق می گیرد و شاید بتوان گفت در این صورت زکات اجاره استفاده از مراتع

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

عمومی است. علاوه بر اینکه گرچه دارایی فرد را کاهش می دهد ولی چون ثابت است و جنبه عبادی دارد و نرخ آن هم خیلی کم است، در عمل اثری در تغییر تصمیم شخص به ادامه فعالیت دامداری ندارد. زیرا هر درآمدی مشمول مالیات خواهد شد. زکات بر غلات هم همین حکم را دارد.

ب -مالیات بر سود

مالیات بر سود را در بازارهای رقابتی و انحصاری مورد مطالعه قرار می دهند و نشان می دهند که این مالیات بر کارایی اثر منفی ندارد. نقطه تولید تغییر نمی کند و فقط اثر درآمدی دارد. اگر بر سودِ تمامی فعالیتهای اقتصادی به یک میزان مالیات بسته شود، جابجایی در فعالیت افراد هم مشاهده نخواهد شد و اگر برخی فعالیت ها از مالیات معاف باشند، بتدریج فعالیتها به سوی آن جهت می یابد.

اگر سود را درآمدی بدانیم که پس از کسر هزینه های تولید اعم از هزینه مواد اولیه، دستمزد و حقوق کارکنان و حقوق و مالیاتهای مرسوم بدست می آید، خمس گرچه شباهتی به آن دارد وی نمی توان خمس ارباح مکاسب را مالیات بر سود دانست بلکه مالیات بر پس انداز است زیرا اولا خمس به اشخاص تعلق می گیرد نه بنگاه؛ به همین جهت، سود تقسیم نشده بنگاه که در ملکیت شرکت می ماند و بین سهامداران توزیع نمی شود، مشمول خمس نیست. سود تقسیم شده بین صاحبان سهام نیز به عنوان سود مشمول خمس نمی شود بلکه هرگاه از هزینه سالیانه شخص زیاد آمد و عنوان پس انداز گرفت مشمول خمس می گردد. پس خمس بر خلاف دیدگاهی که آن را مالیات بر سود می انگارد،[۱] مالیات بر پس انداز است. خمس بر معدن و کنز و غوص چون هزینه فرصت و دستمزد شخص معدن کار و غواص و یابنده گنج محاسبه نمی شود، سود کامل نیست. علاوه بر آنکه گفتیم خمس معدن نوعی اجاره استفاده از معدن است. در زکات دام و نقدین، موجودی دارایی لحاظ می شود نه درآمد خالص هر سال. بنابراین، از نوع مالیات بر ثروت است که هر سال هم تکرار می شود . زکات بر غلات هم اگر هزینه فرصت و دستمزد مالک به حساب می آمد، از نوع مالیات بر سود می بود. بنابراین، در مالیاتهای اسلامی مالیات بر سود در مواقع خاصی ممکن است شکل بگیرد. در هر صورت، با توجه به نرخ پایین و ثبات آن اثر منفی بر فعالیتهای اقتصادی نمی گذارد.

[۱] . رک به: نظام مالیاتی اسلام، ص۱۹۰.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

با روشن شدن اثر مالیاتها بر پس انداز و درآمد اثر آن بر سرمایه گذاری و بالتبع رشد اقتصادی هم معلوم می شود.

ج- اثر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی

سرمایه‌گذاری از عوامل اصلی رشد اقتصادی و افزایش تولید و زمینه‌ساز رفاه اقتصادی است. دغدغه اصلی نظام‌های اقتصادی رشد و توزیع است. گروهی از نظام‌ها تکیه اصلی بر رشد دارند و گروهی بر توزیع. در عین حال، هر دو دسته هر دو امر را عنصر مهمی در شکل‌دهی نظام اقتصادی می‌دانند. تحقق رشد اقتصادی نیازمند تحقق عوامل موثر بر آن است. در نظریه‌های مربوط به رشد اقتصادی عوامل گوناگونی به عنوان عوامل موثر بر رشد بر شمرده‌اند. مدل رشد نئوکلاسیکی سولو نهاده کار و سرمایه را نهاده تولید در نظر گرفته و رشد را متاثر از انباشت سرمایه می‌داند. پس‌انداز تنها عامل انباشت سرمایه است و سرمایه‌گذاری برابر با میزان پس‌انداز است. درآمد منهای پس‌انداز تعداد مصرف را نشان می‌دهد. تعادل اقتصادی با صفر بودن افزایش خالص موجودی سرمایه به معنای برابری سرمایه‌گذاری و استهلاک است. بنابراین، به عامل برونی برای رشد اقتصادی نیاز هست و آن پیشرفت فنی است. در این مدل، نرخ رشد در خارج از الگو تعیین می‌شود و مستقل از ترجیحات ویژگی‌های تابع تولید و رفتار متغیرهای سیاسی از جمله مالیات است.

در مقابل مدل رشد برون‌زا، رومر و لوکاس مدل رشد درون‌زا را مطرح کردند. رشد از طریق بهینه کردن تصمیمات کارگزاران اقتصادی ایجاد می‌شود و براساس آن، می‌توان نقش ابزار سیاست مالیاتی را معین کرد. مدل رشد درون‌زا به چند صورت رشد را مطرح می‌کند.

۱. مدل AK که سرمایه را تنها نهاده تولید می‌داند و تابع تولید به صورت $y=AK$ است. رشد محصول با نرخی برابر با نرخ خالص سرمایه‌گذاری در موجودی سرمایه تحقق می‌یابد.
۲. سرمایه انسانی و فیزیکی هر دو در تابع تولید هستند.
۳. تولید به نیروی کار پیشرفت فنی و سایر نهاده‌ها وابسته است.
۴. بین بنگاهها اثرات خارجی هست و یادگیری از طریق کار صورت می‌گیرد.

مالیات بر نهاده‌های تولید بر رشد تولید اثر دارد.در مطالعات نظری در زمینه اثر مالیات بر رشد

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

اقتصادی کارهای متعددی صورت گرفته است. از آنجا که پس‌انداز، درآمد، بهره‌وری سرمایه نیروی‌کار، می‌تواند بر رشد تولید اثرگذارباشد، وضع مالیات ممکن است باعث کاهش سرمایه‌گذاری در مورد سرمایه فیزیکی و نیروی انسانی شده و بالتبع، اثر منفی بر رشد دانسته باشد. برخی از مطالعات تاثیر مالیات بر رشد اقتصادی را بسیار کوچک و برخی بسیار زیاد می‌دانند. از این رو، تحلیل نظری در این مورد مبهم است. شواهد تجربی رابطه اندکی بین نرخ‌های مالیات و نرخ‌های رشد اقتصادی نشان می‌دهد. (ر.ک به جعفری صمیمی و حسن‌زاده جزدانی، ۱۳۸۰) بنابر این، اثر مالیات بر رشد اقتصادی بطور دقیق معلوم نیست و نمی توان گفت مالیات بر عوامل تولید مانع رشد اقتصادی می شود. در صورت اثبات وجود اثر منفی در مطالعات نظری و تجربی باید گفت که در نظام مالیاتی اسلامی با توجه به مطالب زیر که به عنوان نتیجه گیری مطرح می کنیم، اثر منفی مالیات بر سرمایه گذاری و تولید یا به شدت کاهش می یابد و یا از بین می رود .

نتیجه گیری

۱-مالیات اسلامی دارای نرخ ثابت است و به علت دایمی بودن اثر منفی خود را از دست می دهد.

۲-نرخ کم مالیات اسلامی از ۰٪ تا ۱۰٪ اثر منفی زیادی بر رفتار ها ندارد.

۳-مالیات در همه مکاتب و کشورها اخذ می شود و امر پذیرفته شده ای است و فرد نمی تواند از مالیات بگریزد.

۳-عبادی بودن و حرمت مصرف بیش از شأن و لزوم کار و ارتباط مناسب بین دولت و ملت اثرات مثبت مالیات اسلامی را زیاد می کند.

۴-سود تقسیم نشده شرکت ها از مالیات معاف و برای سرمایه گذاری مفید است.

۵-در اخذ خراج شرایط تولید کننده کاملا مراعات می شود .

۶-هزینه استهلاک پوشش داده می شود و می توان بر اساس نرخ های مختلف سیاست گذاری کرد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

منابع و مآخذ:

- *آذری قمی، احمد، زمین و متعلقات آن، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی، ج۲، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.*
- *پژویان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی(مالیاتها)، تهران، موسسه تحقیقاتی اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳ش.*
- *جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۱ش.*
- جعفری صمیمی، احمد و علیر ضا حسن‌زاده جزدانی،پژوهش های اقتصادی تابستان و پاییز ۱۳۸۰ش ..
- *حسینی، سید رضا، بیت المال، دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.*
- *حمزه پور، محمدحسین، صدر سید کاظم، کفایی محمدعلی، بررسی مالیات بر شرکت ها در ایران براساس الگوی مالیات های اسلامی فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۱.*
- *خامنه ای، سید محمد، اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱ش.*
- *درویش، احمد فواد، زین محمود صدیق، تأثیر الزکاه علی داله الاستهلاک الکلی فی اقتصاد اسلامی، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدریب، البنک الاسلامی للتنمیه، ۱۴۱۷ق.*
- *رضایی*، مجید ، مالیات‌های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت، نامه مفید، شماره ۳۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ ش
- *رضایی، مجید، سعید فراهانی، علی معصومی نیا، نظام مالی دولتهای مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجر ی، نظام مالی اسلام (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ش.*
- *الرضی، الشریف ابوالحسن محمد، نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.*

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

- *الزرقاء، محمد انس، دور الزکاه فی الاقتصاد عامه وفی السیاسه المالیه. ، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدریب، البنک الاسلامی للتنمیه، ۱۴۱۷ق.*
- *قحف، منذر(المحرر) اقتصادیات الزکاه، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدیب، ۱۴۱۷ق.*
- *قحف، منذر، مالیه عمومی و خصوصی و سیاست مالی در اسلام، ترجمه محمدتقی گیلک حکیم آبادی، درسهایی در اقتصاد اسلامی، به اهتمام منذر تحف، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴ش.*
- *گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، دولت و سیاستهای اقتصادی، دانشنامه امام علی(ع)، ج۷، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.*
- *لشکری، علیرضا، نظام مالیاتی اسلام، تهران معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۰ش.*
- *متولی، مختار محمد، التوازن العام والسیاسات الاقتصادیه الکلیه فی اقتصاد اسلامی، اقتصادیات الزکاه، تحریر منذر قحف، جده، المعهد الاسلامی للبحوث والتدریب، البنک الاسلامی للتنمیه، ۱۴۱۷ق..*
- *مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ش.*
- *منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولا یه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم، دارالفکر ، ۱۴۱۱ ق.*
- *---------- رساله توضیح المسا ئل،قم ،نشر تفکر،چاپ شانزدهم پ۱۳۷۷ش.*
- *موسوی اردبیلی ، سید عبدالکریم، رساله توضیح المسا ئل،قم ، انتشارات نجات ،چاپ پنجم۱۳۸۶ ش.*
- *موسوی الخمینی، السید روح الله، کتاب البیع، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.*
- *نظری، حسن آقا و محمدتقی گیلک حکیم آبادی، نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۲ش.*

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]

منابع لاتین

- Iqbal،Munavar،Zakah،Moderation and Aggregate ،Consumtion Funtion in AN Islamic Economy ،Economic of Zakah ،Jedah، IDB، 1997.
- Sandmo،Agnar،the Effects of Taxation on Savings and Risk Taking،Handbook of Public Economic ،vol 1،edited by A.J. Auerbach and M . Feldstem ،Elsevirr Science Publishers B V ،North Holand،1985.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-10]